

## انفجار فاجعه بار شیراز چه پیامی دارد؟

ماهشهر، همانند روشی بود که بیشتر در مبارزه میان فلسطین و اسرائیل دیده شده بود. موج خشونت در استان سیستان و بلوچستان، مانند جنایت خونبار حمله به اتوبوس غیرنظامیان در جاده زاهدان - زابل در ۱۳۸۴، که در آن ۲۲ نفر کشته شدند، حمله افراد مسلح به چهار خودرو و کشتن ۱۱ نفر در جاده کرمان - بم در سال ۱۳۸۵، حملات متعدد به خودروهای شخصی و غیرنظامی، انفجار چند بمب در شهر زاهدان، حمله خونین به اتوبوس بسیجیان در بهمن ۸۵، همگی نشان از این دارند که سیاست حذفی و مقابله به مثل خشونت بار فقط کشور را به ورطه سقوط در یک انفجار اجتماعی میکشاند.

آغاز سال ۸۷، نشان میدهد که سالی بسیار خونبارتر و درگیریهایی مسلحانه بسیار بیشتر و پرتلفات تر خواهد بود. نهم فروردین ۸۷، به اتوبوس دانش آموزان حمله شد، و هنوز دوازدهم فروردین تمام نشده با فاجعه حسینییه شیراز روبرو شده ایم.

حکومت میتواند هر کس و هر گروه را که میخواهد متهم کند، متهمان را بگیرد، دست و پایشان را برد یا اعدام کند، ولی این اعمال تلافی جویانه نه تنها مسئله را حل نمیکند، بلکه دامنه خشم و نفرت و حس انتقام جویی را هم افزایش میدهد. اگر این حملات تروریستی که مسبب اصلی آن بی شک انحصار گرائی فرقه ای و تند خونی حکومت جمهوری اسلامی است، به سراسر کشور سرایت کند و دامنه آنها گسترده تر شود، این آقایان که میخواهند مدیریت جهان را عوض کنند، چگونه خواهند توانست کشور را اداره کنند؟

انفجار فاجعه بار حسینییه شیراز عارضه ای از یک بیماری اجتماعی دیگر ناشی از حکومت بسته، یکسونگر و انحصارگرای جمهوری اسلامی است که سرانجام عواقب خود را نشان داده است. اختلافات ناشی از برتری جویی و انحصارگری فرقه ای و مذهبی که جمهوری اسلامی در طی این سه دهه ایجاد و ترغیب کرده، و در طی سه سال گذشته به اوج نابخردی و خشونت گرای خود رسیده، می رود که زنجیره ای از عملیات تروریستی را نشان دهد. فاجعه دهشتناک شیراز فقط یک آغاز بود. بی احترامی به مذاهب و باورهای دیگر با جلوگیری از فعالیت آزاد آنها و تخریب نیایشگاههای آنها، ایجاد محدودیتهای غیر قانونی و ضد حقوق بشری، زندانی کردن و کشتن رهبران مذهبی اقلیتها، جلوگیری از مشارکت برابر و سازنده همه شهروندان بدون خط کشی های عقیدتی، نارضایتی ها را انباشت میکند. وقتی نارضایتی ها از حد قابل تحمل گذشت، مدیریت آنها از دست خردمندان مسالمت جو خارج میشود و ستیزگران خشمگین بی منطق و خشونت گرا رهبری اعتراضات را بدست میگیرند و ترور بسم جاننشین اعتراض مدنی میشود. مهم نیست که این اعمال تروریستی و ضدبشری از فرقه گرایان درون حاکمیت سر بزند یا از بیرون. در هر حال، مسائل آن به دست و پای حکومت می پیچد و در نهایت حکومت را با خود فرو میکشد.

بیش از سیزده مورد انفجار بمب در اهواز در خرداد، شهریور و بهمن ۱۳۸۴، با دهها تلفات و صدها زخمی، سرآغاز موج جدیدی از ناآرامیهای تجزیه طلبانه ناراضیان مورد تبعیض مذهبی قرار گرفته در جنوب کشور بود. حمله افراد مسلح به اتوبوس کارکنان پتروشیمی

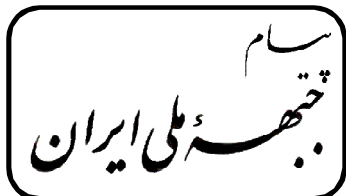
### انتصابات مجلس به پایان رسید.....

بار دیگر افرادی برای حضور در مجلس با نظارت دقیق استصوابی وزارت کشور و شورای نگهبان منصوب شدند و در سناریویی از پیش نوشته شده آوردن عده ای از مردم به پای صندوقهای اخذ رای به انجام رسید. جناحهای حاکمیت اصولگرایان و اصلاح طلبان بسیار تلاش کردند که تعداد آراء بهر نحو بیشتر باشد. بارها مردم شنیدند که رای دادن مهم است چون به نظام مشروعیت میدهد. دستگاههای تبلیغاتی چندین کانال تلویزیونی روزنامه های در کنترل دولت (همه روزنامه هائی که مجاز به انتشار هستند) در روز اخذ رای مژده از حضور اکثریت بزرگی از ملت ایران در کنار صندوقهای رای دادند و عکاسان و فیلمبرداران و خبرنگاران چه زحمتها که نکشیدند تا آن روز را روزی باشکوه نشان دهند. ولی مردم نه در رای دادن انگیزه ای داشتند و نه انتظاری برای اعلام نتایجی که از مدتها قبل قابل پیش بینی بود. انتخاب روز بیست و چهارم اسفند و روزهای بعد که مردم سرگرم مقدمات نوروز بودند و تعطیل بیش از دو هفته روزنامه ها هم موجب شد موضوع انتخابات در محیطی سردسرعت تازگی خبری خود را هم از دست بدهد و بی اعتنایی فزونی تر مردم را برانگیزد. در اینجا مقصود تفسیر و یا تحلیل این سناریوی موسوم به انتخابات نیست بلکه فقط توجه شما را به چند نمونه از آمار انتخابات در تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر جلب میکنیم.

آمار شرکت کنندگان در مرکز سیاسی کشور ایران نشان دهنده انتخابات سراسر کشور است. آمار رسمی واجدین شرکت در انتخابات تهران، ری، شمیران و اسلامشهر از سوی وزارت کشور ۶۵۷۳۰۰۰ نفر اعلام گردید. ستاد انتخابات وزارت کشور میزان آراء ریخته شده به صندوقها ۱۹۰۹۵۶۲ رای اعلام کردند که تعدادی باطل بود و آراء محاسبه شده ۱۹۴۱۰۷۴۰ رای بوده است (این تعداد رای مورد اعتراض اصلاح طلبان قرار گرفت و گفتند مدارکی دارند که عده زیادی را با اتوبوسها از محلی به محل دیگر برده و چندین بار رای داده اند - الله و اعلم). با محاسبه ای ساده تعداد افرادی که در تهران به پای صندوقهای اخذ رای رفته اند ۲۶٪ کل واجدین شرکت در انتخابات تهران و ری و غیره بوده است. در آمار وزارت کشور تعداد جوانان ۱۸ تا ۲۰ ساله شرکت کننده در انتخابات تهران را ۱۸٪ جوانان تهران اعلام نموده اند. آیا به قدرت نشستگان تصوری دیگر داشتند؟ آیا اعداد و ارقام اعلام شده بیانگر مشروعیت است؟

### شکایت

در ستون علمی خبرهای روزنامه ای آمده بود که دانشمندان اخیرا کشف کرده اند: (پرندهگان ساکن شهرهای بزرگ در مقایسه با چهل، پنجاه سال گذشته، با لحن غمناکتری میخوانند و برای



نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

بایاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

[www.jebhemelliiran.org](http://www.jebhemelliiran.org)

E-mail: [hejmi85@yahoo.com](mailto:hejmi85@yahoo.com)